



فرق خانه بازی با مهد کودک مهم ترین و اساسی ترین فرق خانه بازی با مهدکودک در ساعاتی است که کودکان در این امکان حضور دارند. در خانه بازی کودکان ساعت‌ها نمی‌شوند ولی حضورشان در مهد کودک معمولاً صبح تا ظهر و به صورت هم‌روزه است.

عکس: ایران

آشفته بازار مراکز آموزشی زیر سن مدرسه

سلیقه مامان، پول بابا!

گزارش

سمیه آفشین فر خربنگار

کودکشان را به کودکان می‌سپارند و خوشحالند که بهترین آموزش‌ها را در کودکان می‌آموزد. از طرفی دیگر با کودکان‌هایی مواجه‌ایم که هر محتوایی را که مطلوب بدانند به کودکان آموزش می‌دهند و از سویی دیگر با مؤسسات و خانه‌هایی با اسامی رنگارنگ مانند خانه‌های مادر و کودک یا خانه‌های هنر و خلاقیت... مواجهیم که در امر آموزش کودکان مداخله کرده و اقدام به پذیرش کودکان قبل از سن مدرسه می‌کنند. در این مجال به کالبدشکافی آشفته بازار آموزش به کودکان قبل از سن مدرسه پرداخته‌ایم.

یک زمینه آموزش را مورد توجه قرار داده‌اند ولی در مهدکودک به آموزش هم علاوه بر بازی اهمیت داده و برنامه‌های منظمی برای کودکان در نظر گرفته می‌شود. امکانات سرگرمی و وسایل بازی می‌توان سومین فرق خانه بازی با مهدکودک دانست. در خانه بازی‌های کودکان وسایل بازی بسیار متنوع و جذابی مانند مدل‌های متنوع تاب و سرسره، ترامپولین قلعه بازی، انواع توپ‌ها، استخرهای توپ و شن وجود دارد به طوری که برای بچه‌ها اصلاً خسته‌کننده نیست. در مهدکودک برخلاف خانه بازی وسایل بازی بزرگ چندان وجود ندارد.

از والدین باید همراه کودک حضور داشته باشد اما در مهدکودک نوزادان هم نگهداری می‌شوند. آخرین تفاوت خانه بازی با مهدکودک در میزان ایمنی آن دو است. خانه بازی چون دارای وسایل بزرگ بازی است و امکان افتادن کودک وجود دارد باید سطح ایمنی بسیار بالایی داشته باشد تا جلوی خطرات احتمالی گرفته شود ولی در مهدکودک‌ها این خطرات خیلی کم‌تر است و یک ایمنی نسبی کفایت می‌کند.

اجتماع پذیری کودکان در مهدکودک

مینو کرم‌پور، دکترای روانشناسی کودک در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اینکه آموزش در دوران پیش از دبستان از اهمیت زیادی برخوردار است، می‌گوید: آموزش در سنین مدرسه یا خبیلی جدی گرفته‌اند و از سنین پایین اقدام به آموزش دروس مدرسه می‌کنند یا آموزش‌های بازی محوری را تنها در یک زمینه کودکان که دارای اختلال یادگیری، بیش‌فعالی یا نقص توجه هستند خیلی سریع‌تر شناسایی شوند و به دلیل اینکه مهدکودک به نسبت مدارس، خاصیت انعطاف‌پذیری بیشتری دارد و خانواده هم زودتر در جریان مشکل کودک قرار گرفته‌اند و پیگیری می‌کنند، این کودکان به راحتی درمان می‌شوند

اجتماعی و فردی ضعیف باشند اصلاً مطلوب نیست. در کشورهای پیشرفته آموزش به کودک از ۴ سالگی شروع می‌شود که هدف آنها از آموزش این است که کودکانی که دارای کم‌توانی ذهنی و اختلال آموزش هر آموزشی نیست اگر منظور آموزش در حد مقطع ابتدایی باشد که مورد تأیید نیست چرا که موجب دوری کودک از درس و علم و تحصیل می‌شود در سنین پیش از دبستان بیشترین آموزش باید آموزش با بازی و در جهت شناسایی اختلالات و استعدادها باشد.

این روانشناس در ادامه می‌گوید: این روزها با مراکز روبه‌رو هستیم که آموزش کودکان قبل از سن مدرسه را با خیلی جدی گرفته‌اند و از سنین پایین اقدام به آموزش دروس مدرسه می‌کنند یا آموزش‌های بازی محوری را تنها در یک زمینه کودکان که دارای اختلال یادگیری، بیش‌فعالی یا نقص توجه هستند خیلی سریع‌تر شناسایی شوند و به دلیل اینکه مهدکودک به نسبت مدارس، خاصیت انعطاف‌پذیری بیشتری دارد و خانواده هم زودتر در جریان مشکل کودک قرار گرفته‌اند و پیگیری می‌کنند، این کودکان به راحتی درمان می‌شوند

محتوا داریم امکان نظارت نداریم



مجتبی همتی فر، رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک قبیل در گفت‌وگو با «ایران» یکی از چالش‌های مهم در حوزه فعالیت کودکان‌ها را بحث مجوز فعالیت کودکان‌ها مطرح کرده و گفته بود با توجه به محدودیت‌های سازمان تعلیم و تربیت کودک امکان نظارت بر مجوز و فعالیت‌های تمام مراکز نگهداری کودکان وجود ندارد! برای همین است که می‌بینیم یک کودکان‌ها به هزینه لاکچری آموزش زبان فرانسه را در برنامه‌هایش می‌گذارد و کودکان‌ها دیگر فقط یک مرکز نگهداری است یا حداقل امکانات و آموزش! همتی فر در گفت‌وگو با «ایران» با بیان اینکه در کودکان‌ها دو دوره را تعریف کرده‌ایم، می‌گوید: در دوره اول به تعلیم و تربیت کودکان از بدو تولد تا سه سالگی تأکید می‌شود. البته در این سن بجز موارد اضطراری تربیت در بستر خانواده اتفاق می‌افتد. در دوره دوم که عملاً دوره پیش دبستانی است خدمات برنامه‌های مستقیم‌تر و با هدف‌گذاری مشخصی خواهد بود و بسته‌هایی هم برای آن وجود دارد که سازمان ملی کودک هم در راستای جهت دهی به کودکان‌ها از لحاظ برنامه‌های تربیتی آنها وظیفه داشته که تنظیم‌گری را انجام دهد. به همین منظور در نیمه مهر ماه بعد از اینکه رویداد «بایرستان کودکان» را برگزار کردیم در بخشنامه‌های ۲۶ بسته مشخص و ارزیابی شده را که استانداردهای مورد نظر مطلوبمان را داشتند به استان‌ها معرفی کردیم و کودکان‌ها می‌توانستند از بین این بسته‌ها، بسته مورد نیاز خود را انتخاب کنند. البته بسته‌های مکمل را هم معرفی کردیم. هر کدام از این بسته‌ها به طور معمول هم محتوایی برای کودک داشت هم برای مربی و هم برای والدین که در قالب مجموعه‌هایی از کتاب‌ها و ابزارها و لوازم جنبی ارائه می‌شود. نکته‌ای که باید در نظر داشته باشیم این است که این بسته‌ها باید هم سوو هماهنگ با دوره اول و دوم کودکی باشد و به طور خاص در دوره پیش دبستانی باید در آن سه سال دوم لحاظ شود چون باید به این سؤال پاسخ بدهیم که آیا محتوا و فعالیت متناسب با سن کودکان هست یا خیر. در واقع ما باید از ابزار نامناسب و پرداختن به محتواها و فعالیت‌هایی که تناسب سنی با کودک

یا اهداف تربیتی آن دوره ندارد پرهیز کنیم. رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک در ادامه با بیان اینکه چتر نظارتی و نفوذ سازمان هنوز کامل نشده است و اگر تخلف‌هایی صورت می‌گیرد گزارش شود و ما حتماً رسیدگی می‌کنیم می‌گوییم: همکاری در استان‌ها و شهرستان‌ها وظیفه نظارتی دارند و بازبدهی‌هایی که انجام می‌دهند اگر کودکان‌ها محتوای نامناسب یا غیر مجاز استفاده کنند تذکر می‌دهند تا در چهارچوب عمل کنند چون اینقدر آزادی عمل داده شده است و بر اساس نیازهای اقلیمی و شرایط هر استان می‌توانند تربیت کودک را در آن شرایطی که می‌خواهند اعمال کنند. همتی فر تأکید می‌کند که دوره تربیت ۷ ساله در بخش دوم به عنوان پیش دبستانی شناخته می‌شود که هدف از آن ایجاد آمادگی برای ورود به مدرسه در بچه هاست اما این آمادگی باید تدریجی باشد و با فعالیت‌های بازی محور و آموزش اکتشافی و غیر مستقیم که بازی محور است تحقق پیدا می‌کند و اگر مراکز غفلت می‌کنند و به سراغ آموزش‌های مدرسه‌ای می‌روند دچار خطا شده‌اند و این آفتی است که متأسفانه در برخی از مراکز وجود دارد و انگار کلاس اول را در دو سال آموزش می‌دهند و بچه‌های پیش دبستانی دورا کلاس اولی به حساب می‌آورند و یک بسته آموزشی را برای آنها در نظر می‌گیرند. حتی برخی از این کودکان‌ها وارد آموزش الفبا می‌شوند که ما تأکید داریم این موارد نباید اتفاق بیفتد و تخلف است و در صورت گزارش حتماً با آنها برخورد لازم می‌شود.

رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک با اشاره به خطرات زودآموزی برای کودکان می‌گوید: کودک وقتی نتواند کودکی کند آسیب زیادی می‌بیند اگر کودک به شکل ناخواسته سراغ محتوایی برود که قرار است در دوره ابتدایی آن مواجه شود وقتی در کنار بقیه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد احساس او به مباحث کلاس برای او تکراری است و اشکالاتی در روند رشد و یادگیری او به وجود می‌آید مربیان و مدیران کودکان‌ها باید به این نکته‌ها توجه داشته باشند و باید تذکرات لازم در این خصوص به آنها داده شود تا خانواده‌ها هم می‌خواهم عجله‌ای نداشته باشند و نخواهند که شتاب زده محتوایی را به کودکان منتقل کنند چرا که این کارها مانع رشد طبیعی کودک می‌شود.

دغدغه والدین کودکان و نیازهای ویژه



لاله می‌گفت: «شاغل بودم و شغل خوبی داشتم خیالم راحت بود که وقتی فرزندم به دنیا آمد و مدتی گذشت او را به مهدکودک می‌برم و می‌توانم کارم را دوباره شروع کنم چند سالی فرزندم پیش مادرم ماند و به سن مهدکودک که رسید او را در یک مهدکودک ثبت نام کردم چند روز بیشتر نرفته بود که تماس گرفتند و گفتند نمی‌توانند کودک را بپذیرند و باید حتماً به روانشناس مراجعه کنم روانشناس به من گفت که کودک دارای بیش‌فعالی است و از همان روز مشکلاتم شروع شد. از این مهدکودک به آن مهدکودک سرگردان بودم و هر کدام بعد از چند روز صابیشان در می‌آمد که نمی‌توانند کودک را بپذیرند یا باید او را از آن مرکز ببرم یا باید هزینه بیشتری پرداخت کنم تا بتوانند مربی جداگانه‌ای برای او در نظر بگیرند. کودک من تحت نظر روانپزشک است و دارو مصرف می‌کند چرا نباید بتوانم با خیال راحت به کارهایم برسم و همواره باید دغدغه کودکم را داشته باشم.» روایت‌هایی از این دست هم روایت سرگردانی والدینی است که کودکان دارای نیازهای ویژه دارند کودکانی که گاه در این سرگردانی‌ها سن تلایی آموزش را از دست می‌دهند و با حداقل مهارت‌ها وارد سیستم آموزشی مدارس می‌شوند.



در دنیای کودکان نباید جداسازی میان کودکان عادی با کودکی که مثلاً بیش‌فعالی دارد مطرح باشد و هدف فقط سازگاری است.

کودکان عادی هم باید بدانند چنین کودکانی در جامعه باید دیده شوند.

کودکان عادی هم باید بدانند چنین کودکانی در جامعه وجود دارند و باید رعایت حال آنها را بکنند اما چون در سنین مهدکودک سن کودک پایین است و بچه به بچه‌ها هستند و شاید نتوانند رعایت کنند. می‌توانیم به زور آنها را با هم سازگار کنیم باید کسی باشد تا نظارت داشته باشد.

همتی فر، رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک با اشاره به اینکه در اساتمه سازمان



تعلیم و تربیت آمده که خدمات نگهداری از کودکان نیاز ویژه یا دارای معلولیت یا کودکان بد سرپرست یا بی‌سرپرست باید توسط نهادهای ذیربط مثل سازمان آموزش و پرورش استثنایی یا سازمان بهزیستی ارائه شود می‌گوید: ما تأکید داریم که بچه‌ها در دوره پیش دبستانی تشخیص‌گذاری شوند و امسال برای همین کار سنجنش نوانموزان بدو ورود به مدرسه زودتر آغاز شده است تا کودکانی که دچار اختلالی هستند زودتر شناسایی شوند و زودتر بتوانیم به آنها خدمات ویژه‌ای ارائه دهیم. سازمان بهزیستی موظف است به این کودکان خدمات مراقبتی و نگهداری ارائه کند اما اینکه در کودکان‌های عادی این خدمات به چه صورت باید ارائه شود هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است.

این کودکان نیاز به مربی آموزش دیده دارند و متأسفانه مربی با این سطح از صلاحیت و توانمندی کمتر داریم و بنابراین کودکان‌ها به دلیل حساسیت‌هایی که مراقبت و کار کردن در این کودکان دارد عملاً این کودکان را پذیرش نمی‌کنند و طبیعتاً وقتی کودک دارای اختلال را پذیرش کنند باید برای او مربی اختصاصی آموزش دیده بگیرند و هزینه آن هم احتمالاً قابل توجه خواهد بود و خانواده باید پرداخت کنند. متأسفانه سازمان تعلیم و تربیت کودک ردیف ویژه‌ای برای این موضوع ندارد. حتی متأسفانه برای بقیه کودکان از جمله کودکان عشایری، روستایی و حاشیه شهرها هم با اینکه جزو مواردی است که ما مکلف هستیم و باید پیش دبستانی را حمایت کنیم و بخشی از اعتبارات دولتی را به آن سمت سوق دهیم ولی توجه لازم نشده است. به همین ترتیب برای خدمات تربیتی و کودکان این چنین هم نمی‌توانیم برنامه‌ریزی خاصی داشته باشیم البته اگر شدت اختلال کم باشد در نظر داریم دوره‌های توانمندسازی برای مربیان بگنجانیم که معلولیت‌ها و اختلاف‌های خفیف را در کنار سایر کودکان مورد پذیرش قرار دهیم.

همتی فر گفت: البته همکاری ما با سازمان‌هایی مثل بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی هم جزو دغدغه‌های ماست تا بتوانیم از ظرفیت آنها استفاده کرده و بتوانیم همکاری‌های بلند مدتی داشته باشیم.